



۲۰۲۰/۰۱/۳۱



عبدالقیوم میرزاده

این ملت است که باید به شر افروزان نه بگوید!



یکی دیگر از پیامد های مرگ قاسم سلیمانی رئیس سپاه قدس و تطبیق کننده سیاست های سیطره جویانه ایران در شرق میانه و جنوب آسیا فعال گشتن افراد وفادار به ایران و غلام بچه های آخذ های ایران در رأس حاجی محمد محقق میباشد. آقای محقق و داکتر عبدالله عبدالله بعد از اعلام نتایج مقدماتی انتخابات و ختم وظیفه داری جان بس منحیث سفیر ایالات متحده آمریکا در افغانستان که از حامیان سر سخت تیم (ثبات و همگرایی) تحت اداره داکتر عبدالله عبدالله بود و چشم امید عبدالله و محقق برای انحصار قدرت فقط به جان بس دوخته شده بود، بسیار سرخورده و مأیوس گردیده بودند. بعد از مرگ سلیمانی محقق توانست عده از مافیاه و تشنه گان قدرت همچو خودش رامتقاعد سازد تا در مراسم سوگواری قاسم سلیمانی شرکت کنند. به باور کارشناسان امور سیاست و اجتماع درحاشیه های این محفل سوگواری این مافیا ها و فروخته شده گان که برای غصب قدرت از هیچ توطئه، نیرنگ و دسیسه دریغ ندارند نه تنها برای دست بوسی ولی نعمت جدید خویش یعنی آقای قآنی رفته و برای موصوف تجدید قرار غلامی کردند بلکه این وطن فروشان معلوم الحال گوش به فرمان توسعه طلبان ایرانی نشستند و دساتیر جدید برای فتنه انگیزی در افغانستان و نحوه و وجوه اجرایی این دساتیر را دریافت کردند. این مافیا های قدرت که بنام ستون پنجم، حکومت موازی و یا حکومت سایه در بیست سال اخیر پیوسته در کشور ما وجود داشته اند و در طی سالیان اخیر زیر چترحمایتی آمریکا، پاکستان و ایران نه تنها قدرت را غصب و ثروت کشور ما را به یغما بردند بلکه آنقدر دزدی، قاجاق، فساد، افراطیت، بنیاد گرایی، زور گویی و بی ثباتی را در کشور نهادینه ساخته اند که امروز بدبختانه سراسر سیستم اداره کشور ما ملوس و تخریب گردیده است.

در همین اوضاع و احوال مذاکرات نامنهاد طالبان با زلمی خلیل زاد نماینده وزارت خارجه امریکا در دوحه مرکز قطر جریان داشت و مطبوعات جهان اخباری را از توافقات طالبان و خلیل زاد در باره مسایل مورد بحث شان به نشر می سپردند. مافیا های برگشته از محفل سوگواری سلیمانی احتمالاً در پیوند به مذاکرات طالبان و خلیل زاد دساتیری از مقامات ایرانی دریافت کرده بودند بنأ بصورت برق آسا محقق را غرض مفاهمه با بادران پاکستانی شان در پیوست با این دساتیر به پاکستان فرستادند که اخبار و عکس هایی از جریان دیدار های محقق با شاه محمود قریشی وزیر خارجه پاکستان و رئیس استخبارات نظامی پاکستان آی. اس. آی. و سایر مقامات بلند پایه پاکستان در مطبوعات پاکستان و شبکه های اجتماعی منتشر گردید. از احتمال بدور نیست که در سایه این ملاقات سفر غیر مترقبه شاه محمود قریشی وزیر خارجه پاکستان بتاريخ ۱۹ جنوری به دوحه صورت گرفت. از ملاقات شاه محمود قریشی با طالبان چنین استنباط میگردد که تحقق پلانهای شوم و دسایس ضد افغانی صادر شده از ایران و تفاهم شده با پاکستان از حالت بالقوه به بالفعل تبدیل میگردد. دقیقاً بعد از این ملاقات قریشی با خلیل زاد، طالبان و مقامات قطری کاسه مذاکرات دوحه چپه شده و رسانه ها از ناکامی این دور مذاکره نیز همچو دوره های قبلی به بهانه اختلاف بر سر (آتش بس - کاهش خشونت) خبر دادند. متعاقب این زد و بند های پنهانی استخباراتی در غیاب مردم و دولت جمهوری اسلامی افغانستان گروه مافیایی یا ستون پنجم تحت ریاست داکتر عبدالله عبدالله در قصر محقق پشت در های بسته جمع شدند و به احتمال زیاد جمع بست اقدامات خویش را نظر به هدایات بادران پاکستانی و ایرانی شان به ارزیابی گرفتند و خطوط کاری خویش را برای اقدامات آینده مشخص ساختند. زیرا فردای نشست در قصر محقق داکتر عبدالله عبدالله با وضع نه چندان آراسته چون گذشته در یک مجلس با عجله تنظیم شده با شرکت پادوان و همکاران اش با عصبانیت گفت که: رفتار های اشرف غنی را بیشتر از این تحمل نخواهد کرد. همچنان تعیینات چند روز گذشته حکومت را به باد انتقاد گرفته و ادعا کرد که وی تا معلوم شدن نتایج انتخابات شریک حکومت میباشد و بانیست در تصمیم گیری ها نیز شریک باشد. موصوف در این گردهم آیی گروه مافیایی خود را بهترین گزینه برای مذاکرات با طالبان عنوان کرد و متذکر شد که درگروه ما چهره هایی از تمام اقوام کشور حضور دارد.

وی همچنان در یک صحبت تحریک آمیز داکتر اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان را در برخورد با قضایای جنرال عبدالرشید دوستم متهم کرده و از دوستم خواست که اگر به کابل بیاید از وی حمایت میکند.

هكذا در این گروه آیی حاجی محمدمحقق و یکی دو هم پیمان دیگر شان با تأکید فراوان به داکتر عبدالله پیشنهاد دادند تا موصوف برای پست های عالی‌رتبه دولتی و نظامی به امر خود تعینات کند و به قول آنها ملت از آن حمایت میکند.

همچنان یونس قانونی صدای این گروه آیی مافیها را صدای ملت نامید و اضافه کرد که صلاحیت های مذاکرات صلح به این گروه داده شود و آنها از طرح کاهش خشونت طالبان استقبال میکنند. در حالیکه لیک میدانند که همکاری با طالبان مستقیماً متناسب است به همکاری با پاکستان که ستراتیژی اش در قبال افغانستان از بدو ایجاد این غده سرطانی جنوب آسیا به فرد فرد کشور ما روشن میباشد. طرح طالبان مبنی بر کاهش خشونت در هیچ قاموس حقوقی، سیاسی و نظامی تعریف نشده است. مگر خلیل زاد این را نمیدانند؟ مقامات وزارت خارجه امریکا و قصر سفید از این مذاکرات به مواد تبلیغاتی نیازمند اند تا برای مردم امریکا و افکار عامه جهان شکست شان را در برابر پاکستان و فشار های منطقی توجیه کنند که گویا در توافق با طالبان قوت های خویش را از افغانستان خارج کردند، همچنان دونالد ترامپ از این معامله ننگین بر تعداد رای دهنده هایش در انتخابات خزان امسال می افزاید. ولی این گروه مافیایی همچنان تلاش دارند تا در این زد و بند های امریکا - پاکستان شریک باشند!!؟؟

در همین حال کمیسیون های انتخابات با آنکه میدانند که کشور ما بصوب یک بحران عمیق در حرکت است و هر آن احتمال فوران این بحران متصور است. یا عمداً و یا در تحت فشار مضاعف این مافیا ها از اعلام نتایج انتخابات طفره میروند. این وضع روز تا روز مشروعیت دولت را زیر سوال برده و تبر مافیا ها را دسته میدهد و کشور های آزمند همسایه ما را که محمل ها و امکانات فراوان سرحدی، اقتصادی، تجارتي، سیاسی، ملی، مذهبی و تسلیحاتی در اختیار دارند در تحقق پلانهای شوم ضد افغانی شان یاری میرسانند.

از این همه رویداد های نا میمون به این نتیجه میرسیم که باز هم توطئه، باز هم دسیسه، باز هم فریب، باز هم شیطننت، باز هم فتنه و باز هم اقدامات تحریک آمیز غرض شعله ور ساختن جنگ بدستور بیگانگان بر علیه کشور و مردم ما رویدست گرفته شده است و عده شریر که در رویداد های بیش از چهل سال اخیر به کرات حلقه غلامی این و یا آن کشور را به گردن انداخته اند و در این مدت آتش بیار جنگ های نیابتی این و آن در کشور ما بودند و خود از این طریق زر اندوختند و صاحب سرمایه های میلیونی و میلیاردی شده اند دست و آستین بالا زده اند و کشور ما را به صوب یک بحران لا ینحل دیگر و جنگ داخلی که در آن بر علاوه تفرقه های سیاسی و ملی عنصر مذهب تشیع و تسنن نیز افزون میابد سوق میدهند.

این جریان‌های بخوبی میرساند که توفان مهیبی از جانب کشور های همسایه ما پاکستان و ایران در همکاری و زد و بند با ایالات متحده امریکا علیه کشور ما در حرکت است. امریکاییان مصمم اند تا به استثنای چند پایگاه اش در افغانستان پای عساکر شان را از افغانستان کشیده و منافع شان را در منطقه، پاکستان در همراهی با گروپ کوچکی از نظامیان و شبکه استخباراتی ایالات متحده امریکا تمثیل کند. ایرانی ها به همکاری سازمان استخبارات روسیه که طی نیم قرن اخیر در این منطقه دست باز پیدا کرده است با سرمایه‌گذاری های هنگفت در پروژه طالبان این ابتکار را از پاکستان سلب کرده است. اکنون پاکستان به تنهایی قادر به نیابت امریکا در منطقه نمی باشد، تا توافق ایران، روسیه و کشور های آسیای میانه را با خود نداشته باشد. اکنون دیده میشود که این توافقات در مقیاس ایران رنگ گرفته و پاکستان با آنکه ظاهراً حمایت شانرا از استقرار پایگاه های نظامی امریکا در خاک افغانستان اعلام میکنند. چنانچه شاه محمود قریشی در سفر اخیرش به امریکا حمایت صریح دولت اش را از استقرار پایگاه های امریکا در افغانستان اعلام داشت ولی در حقیقت پاکستانی ها در تبنای با متحد منطقوی اش چین با حضور نظامی امریکا توافق نداشته و با اجرای حملات تروریستی بوسیله طالبان بالای نظامیان امریکایی در اکناف افغانستان سعی دارد فشار را بر ایشان بیشتر ساخته و از فشار افکار عامه امریکا برای سرعت این روند بهره برداری کنند.

کشور ما در موجودیت همین عناصر مافیایی وابسته به سازمانهای استخبارات خارجی و غلام حلقه بگوش کشور های همسایه مخرب چون پاکستان و ایران و بسا عوامل داخلی چون سطح نازل آگاهی و بیسوادی مردم همچنان مردم ما بنابر باور ها و اعتقادات شان مورد سوء استفاده قرار میگیرند و از این ناحیه کشور ما بسیار آسیب پذیر میباشد. هم ایران و هم پاکستان محمل ها و امکانات مؤثر تخریبی از این ناحیه در دست دارند که در طی پنجاه سال اخیر از آن بر علیه کشور ما استفاده کرده و و مردم ما را به خاک و خون نشانده اند.

در این وضع توفانی ناهنجار کنونی دولت در تحت اداره داکتر اشرف غنی با همه کمبودی ها و نقایص موجود آن یگانه مرجع حاکمیت ملی شمرده میشود که همه مردم کشور باید بدور آن جمع گردند، و از این آدرس تمثیل اراده مردم در تمام رویداد های ملی و بین المللی و مذاکرات با کشور های خارجی و جنگجویان طالب پاکستانی صورت گیرد. در غیر آن تن دادن به هر نوع معامله و حمایت گروه مافیایی داکتر عبدالله وپاران اش باعث خالی قدرت، در گرفتن جنگ داخلی طولانی و هرج و مرج در کشور ما شده ویکبار دیگر همه زیر ساخت های مادی و معنوی جامعه ما مانند سال ۱۹۹۲ نابود گشته و احتمالاً این شرایط زمینه ساز تجزیه کشور خواهد شد، که این امر صریحاً خیانت ملی میباشد.

همه ما در طی این همه سالها بخوبی مشاهده کردیم که جنگ افغانستان را همسایگان آزمند ما با سوء استفاده از ابزارهای جنگ سرد علیه مردم و کشور ما به پیش بردند. این تجارب صد بار برای ما کافیت که دیگر مردم ما فریب این دسیسه کاران را نخورند. این دسیسه بازان جنگ افروز هرگز برای اهداف صلح آمیز گامی بر نمیدارند، آنها در پی مقاصد و منافع شخصی و قدرت گیری مجدد شان برای چاپیدن مردم، چور و چپاول، احیای حاکمیت جنگسالاران و ملوک الطوائف در کشور میباشند. در حالیکه همه مردم ما تشنه صلح هستند و حاکمیت قانون که در پرتو آن امنیت سراسری، رفاه همگانی، برآورده شدن امیال و آرزو های مردم تأمین میگردد در وجود یک دولت مقتدر و مشروع میسر و ممکن می باشد. اقتدار و مشروعیت دولت را مردم برایش میدهند. بدین لحاظ همه ما بدور دولت خویش ایستاده شویم. کمبودی ها و نارسایی ها را با تطبیق حاکمیت قانون از سیستم اداره دولت خارج سازیم. تنها یک دولت قانونی میتواند در پرتو معاهدات بین الدول و تضمین های بین المللی مداخلات خارجی علیه کشور ما را به چالش بکشد البته که یک گروه مافیایی هرگز نه توان فکری و اندیشوی چنین امری را دارد و نه صلاحیت قانونی و حقوقی آنرا.

مردم ما در این شرایط بحرانی توفان را به ندای مادر وطن گوش فرا دهند و خود و کشور خویش را از شر این مافیا ها، فساد پیشه گان و شر افروزان نجات دهند. کافیت تا همه مردم به این غلامان اجنبی نه بگویند.



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف

این ملت است که باید به شر افروزان نه بگوید